

لذت جنسی زنانہ

فریبا فحیم

لذت جنسی زنانہ

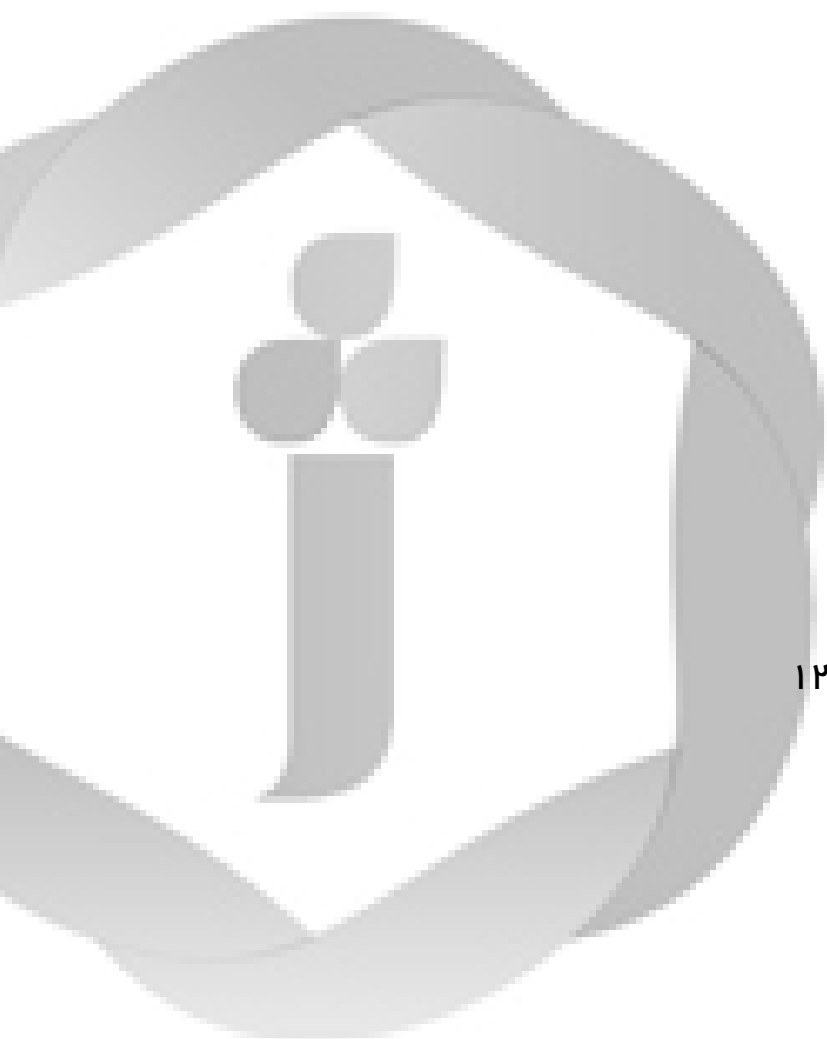


کارگاہ خبر
JOOPEV

پروندہی لذت جنسی زنانہ - کارگاہ خبر ژوپیا

مارس ۲۰۱۸ - اسفند ۱۳۹۶

<https://joopea.news>



نام مقاله: لذت جنسی زنانه

نویسنده: فریبا فخیم

انتشارات: کارگاه خبر ژوپی آ

تاریخ نشر: مارس ۲۰۱۸ - اسفند ۱۳۹۶

شابک: ۹۷۸-۹۴-۹۲۹۵۵-۰۰-۵



<https://joopea.news>

حق چاپ و بازنشر کل و یا قسمتی از مقاله با ذکر منبع مجاز است.



لذت جنسی زنانه چیست؟ چگونه می‌توان آن را تعریف کرد؟ آیا می‌توان لذت جنسی زنانه را مفهومی مشخص، ساختارمند و قابل پیش‌بینی در نظر گرفت؟ در آغاز و پیش از پاسخ به این پرسش‌ها، باید به طرح این پرسش پرداخت که به‌طور کلی لذت جنسی چیست؟

آن‌زمان که فرد محرکی را از نظر جنسی جذاب می‌یابد، سیستم شناختی مغز در تعامل با سیستم‌های زیستی (بدنی) و عاطفی، او را برانگیخته می‌کنند؛ به این معنا که در او نیازی را به وجود می‌آورند. این برانگیختگی، تنش در فرد ایجاد می‌کند که به تلاش برای رهاسازی منجر می‌شود. رهایی از این تنش (به هر روشی مانند رابطه‌ی جنسی، خودارضایی یا...) هیجانی به دنبال می‌آورد که لذت جنسی نامیده می‌شود. به عبارت دیگر، لذت جنسی احساسی سرخوشانه و همراه با حس رهایی از تنش است که اغلب افراد مایل هستند آن را تجربه کنند.

ادراک محرک‌های جذاب، در سطح بدنی (مانند نوازش) و ذهنی (مانند تخیلات جنسی

لذت‌بخش) صورت می‌گیرد. پیرو آن، لذت هم در سطح فیزیکی، سطح ذهنی و هم عاطفی ادراک می‌شود. بدن انسان در برابر محرک‌هایی که ذهن او آن‌ها را تحریک کننده، برانگیزاننده یا جذاب می‌پندارد، پاسخ مشخصی نشان می‌دهد که تابع الگویی به نسبت قابل پیش‌بینی در هر جنس است (برای نمونه، در زنان گشادی مهبل و خیس شدن آن).^۱ با این حال، آنچه لذت جنسی را منحصر به فرد می‌کند، نوع محرک‌هایی است که فرد آن‌ها را جذاب می‌پندارد.^۱ این محرک‌ها ممکن است بسته به تجربه‌های اولیه‌ی جنسی فرد، گرایش جنسی او، فیزیولوژی بدن و سیستم اعصاب، سن، وضعیت هورمونی، شریک‌های جنسی و به‌طور کلی زندگی جنسی گذشته‌ی فرد بسیار متفاوت باشند. به‌همین دلیل است که برخی با لمس، برخی با تماشاگری، برخی با بو یا صدا، برخی با تخیل‌هایشان و برخی هم با دیدن پورن تحریک و ارضا می‌شوند. این تفاوت‌ها به این دلیل هستند که هر انسانی حساسیت‌ها و تجربه‌های ویژه و منحصر به فرد خود را دارد.

در حالی که در طول تاریخ، لذت جنسی زنان^۲ همواره مورد غفلت قرار گرفته است، با این وجود، به‌طور تناقض‌آمیزی، اندام جنسی زنان و به‌طور کلی بدن آن‌ها موضوع بحث‌ها و درگیری‌های متفاوتی در انواع رشته‌ها - از فلسفه و مذهب گرفته تا پزشکی و سیاست - قرار داشته است. صاحبان قدرت (مانند سیاستمداران و رهبران مذهبی) به شیوه‌های گوناگون کوشیده‌اند تا میل، رفتار جنسی و بدن زنان را کنترل کنند. در این میان، علم پزشکی و روان‌شناسی هم تا حد زیادی - دست کم در دوره‌ای از تاریخ - در این محدودسازی کنترل‌گرانه شریک بوده‌اند. لزوم کنترل میل جنسی زنان از زمان یونان باستان مطرح بوده است. تاکید بر این ضرورت را می‌توان در سخنان ارسطو و سوفوکل یافت.

۱ افرادی که تمایلات خودآزارانه‌ی جنسی دارند با کتک خوردن و تحقیر شدن به تحریک و ارضا می‌رسند. این مساله نقش مهم ذهن و تجربه‌های فردی را در میحث لذت به‌روشنی نشان می‌دهد. محرکی که برای اغلب افراد ایجاد درد و ناراحتی می‌کند، وقتی از فیلتر ذهنی فرد خودآزار می‌گذرد، جنبه‌های جذاب و لذت‌بخش به خود می‌گیرد.

۲ در این گفتار هر جا که از لذت جنسی زنان سخن می‌رود، مراد لذتی است که فرد دارای اندام جنسی فرج (کس) با الگوی کروموزومی XX آن را تجربه می‌کند.

نگاهی به کتاب‌های کالبدشناسی (آناتومی) در قرن‌های شانزدهم و هفدهم میلادی در انگلستان نشان می‌دهد که از دیدگاه متفکران آن زمان، تنها یک نوع آلت جنسی وجود داشته است و آن هم آلت مردانه یا همان کیر بوده است. به‌طور کلی، در آن دوران کیر

(پینس) به‌عنوان هنجار، مورد پذیرش قرار گرفته بود و کس، نوعی کیر یا همان آلت مردانه‌ی «ناقص» یا به‌درون کشیده‌شده قلمداد می‌شد. با توجه به این دیدگاه، زنان، مردانی ناقص تلقی می‌شدند و باور بر آن بود که رحم و واژن درواقع یک آلت مردانه‌ی پنهانی (برابر با کیر و بیضه‌ها) هستند. این باور که بازتاب‌دهنده‌ی تسلط دیدگاه

دلیل اهمیت ارگاسم زنان در آن دوران، این باور بود که برای رهاشدن تخمک و وقوع بارداری، رسیدن زنان به ارگاسم ضرورت دارد (همان‌گونه که انزال مردان برای لقاح لازم است) و چون ارگاسم زنان در باور عموم اهمیت تولیدمثلی داشت، لذت زنان، دست‌کم از دید پزشکان و ماماها مهم دانسته می‌شد.

فالوس‌محور و مردانه در علوم آن زمان است، به‌طور جالب‌توجهی، نشان‌گر آن است که در آن دوره، هنوز تفکر دوتایی زن - مرد به‌عنوان دو جنس مخالف و متضاد وجود نداشته است و موجودات نر و ماده متعلق به یک جنس تصور می‌شده‌اند (لافیرو، ۲۰۱۴).

اگرچه میل جنسی زنانه به‌عنوان چیزی جدا از جنسیت مردانه به‌رسمیت شناخته نمی‌شد، اما ارگاسم زنان مهم دانسته می‌شد. دلیل اهمیت ارگاسم زنان در آن دوران، این باور بود که برای رهاشدن تخمک و وقوع بارداری، رسیدن زنان به ارگاسم ضرورت دارد (همان‌گونه که انزال مردان برای لقاح لازم است) و چون ارگاسم زنان در باور عموم اهمیت تولیدمثلی داشت، لذت زنان، دست‌کم از دید پزشکان و ماماها مهم

دانسته می‌شد.

در اروپای حوالی قرن هجدهم میلادی، با گسترش علمی مانند کالبدشناسی و پزشکی، دستگاه تناسلی زنان به‌عنوان سیستمی متفاوت و جداگانه از سازوکار زیستی مردان مورد توجه و مطالعه قرار گرفت و سازوکار واقعی تولیدمثل کشف شد. از سوی دیگر، پزشکان متوجه شدند که برخی زنان نادانسته یا ناخواسته باردار می‌شوند. در نتیجه، آن‌ها به این مساله پی بردند که زنان برای باردار شدن نیازی به رسیدن به ارگاسم ندارند. به دنبال این کشف تازه، این باور به تدریج شکل گرفت که میل جنسی زنان بسیار زیاد، شدید و دایمی است چراکه آن‌ها همیشه برای بارور شدن آمادگی دارند و می‌توانند بدون رسیدن به ارگاسم باردار شوند. در نتیجه، این باور شکل گرفت که میل جنسی زنان افسارگسیخته و غیرقابل کنترل است و آن‌ها از نظر جنسی سیری‌ناپذیرند (لافبرو، ۲۰۱۴).

شکل‌گیری این دیدگاه منجر به سرکوب گسترده‌تر میل جنسی زنان شد. زنانی که میل جنسی‌شان را ابراز می‌کردند، اغلب از نظر روانی برچسب دیوانه می‌خوردند یا شوم و جادوگر لقب می‌گرفتند. ادعای نفوذ ارواح در بدن زنان و نسبت‌دادن جادوگری یا شرارت به آن‌ها به همین دوران بازمی‌گردد (برکوویتز، ۲۰۱۲).

در قرن هجدهم میلادی، گسترش سیفلیس و بیماری‌های دیگری که راه انتقالشان رابطه‌ی جنسی بود، به زنان نسبت داده می‌شد و تمامی سیاست‌های رسمی برای کنترل و پیشگیری از این بیماری‌ها فقط زنان را مورد هدف قرار می‌داد. دلیل این رویکرد، این باور بود که رحم زنان در هنگام برقراری رابطه‌ی جنسی، بخاراتی منتشر می‌کند که منبع آلودگی است و مردان قربانیان بی‌گناهی بیش نیستند (برکوویتز، ۲۰۱۲).

بر خلاف آنچه ممکن است تصور شود، لذت کلیتورال در گذشته چندان هم ناشناخته نبوده است. با این حال، کلیتوریس یک عضو اضافہ تصور می‌شد زیرا خاصیت کلیتوریس منحصر به کسب لذت جنسی بدون نیاز به دخول است (ایریگاری، ۱۹۷۷). تا اوایل قرن بیستم، زنانی که از طریق کلیتوریس به ارگاسم می‌رسیدند به عنوان بیمار، نابالغ یا منحرف شناخته می‌شدند. در قرن نوزدهم میلادی، درمان‌های پزشکی مانند سوزاندن کلیتوریس یا کلیتورکتومی (تخلیه و بریدن کلیتوریس) به عنوان یک عمل پزشکی / درمانی انجام می‌شد چراکه باور بر آن بود که خودارضایی منجر به بیماری می‌شود و این جراحی‌ها در جهت جلوگیری از خودارضایی به درخواست والدین دختران صورت می‌گرفتند.

کلیتوریس) به عنوان یک عمل پزشکی / درمانی انجام می‌شد چراکه باور بر آن بود که خودارضایی منجر به بیماری می‌شود و این جراحی‌ها در جهت جلوگیری از خودارضایی به درخواست والدین دختران صورت می‌گرفتند (دافی، ۱۹۶۳). گزارش‌هایی از این درمان‌ها هنوز باقی مانده است که نشان می‌دهند پزشکان از اهمیت کلیتوریس در کسب لذت زنانہ آگاه بوده‌اند. با این وجود، از آن جا که تنها شیوهی سالم لذت جویی در زنان را دخول مہبلی توسط شوهر تلقی می‌کردند، جراحی‌هایی از این دست را به کار می‌گرفتند (دافی، ۱۹۶۹). این گونه از تفکر فالوس محور مردسالار، لذتی را که در زنان به دخول مردانہ منتهی نمی‌شد، نادیده می‌گرفت یا حذف می‌کرد.

تا اوایل قرن بیستم، زنانی که از طریق کلیتوریس به ارگاسم می‌رسیدند به عنوان بیمار، نابالغ یا منحرف شناخته می‌شدند. در قرن نوزدهم میلادی، درمان‌های پزشکی مانند سوزاندن کلیتوریس یا کلیتورکتومی (تخلیه و بریدن کلیتوریس) به عنوان یک عمل پزشکی / درمانی انجام می‌شد چراکه باور بر آن بود که خودارضایی منجر به بیماری می‌شود و این جراحی‌ها در جهت جلوگیری از خودارضایی به درخواست والدین دختران صورت می‌گرفتند

این حذف و نادیده‌انگاری تا جایی ادامه می‌یافت که حتا متفکری مانند فروید که خود عصب‌شناس بود و به‌طور قطع از اهمیت این عضو در لذت زنانه باخبر بوده است هم زنانی را که ارگاسم کلیتورال دارند از نظر جنسی نابالغ توصیف کرده است (فروید، ۱۹۳۱).

به نظر می‌رسد که جامعه‌های مردسالار، همواره از لذت زنانه واهمه داشته‌اند. شاید به این دلیل که به قول لوسی ایریگاری، فمینیست فرانسوی (۱۹۷۷)، اندام جنسی زنانه می‌تواند بدون نیاز به هیچ واسطه‌ای به‌صورت مستقل، منبع کسب لذت باشد؛ لذتی که در صورت فراگیرشدن، زندگی جنسی زنان را بی‌نیاز از مردان می‌کند. این هراس در طول تاریخ به شیوه‌های گوناگون ابراز شده است. به‌طور مثال، در بسیاری از فرهنگ‌ها جلوگیری از اسب‌سواری زنان رواج داشته است. این جلوگیری از آن‌جا ناشی می‌شود که مردم بر این باور داشتند که سوارشدن بر اسب می‌تواند منجر به تحریک جنسی زنان شود. هم‌چنین ختنه‌ی زنان در نقاطی از جهان و منع کنونی دوچرخه‌سواری زنان در ایران هم ریشه در همین تفکر قرون وسطایی دارد.

به لطف کلیشه‌های هالیوود و صنعت پورنوگرافی، بسیاری هنوز تصور می‌کنند که دخول برای رسیدن زنان به ارگاسم رضایت‌بخش، نه‌تنها لازم بلکه کافی است. این در حالی است که نتیجه‌های به‌دست‌آمده از تازه‌ترین مطالعه‌ی زمینه‌یابی در این‌باره نشان می‌دهند که تنها ۵۷ درصد از زنان با دخول به ارگاسم

لذت جنسی در طول زمان و در مرحله‌های مختلف زندگی فرد دستخوش تغییر می‌شود. بسیار محتمل است که محرک‌هایی که فرد در شانزده‌سالگی آن‌ها را جذاب می‌یافته است، در چهل‌سالگی برایش خالی از هرگونه برانگیزانندگی جنسی باشند.

می‌رسند. این آمار در مورد مردان ۹۵ درصد است (بریسلاو و همکاران، ۲۰۱۵).

حتا امروزه هم با وجود تمام ادعاهایی که درباره‌ی آزادی جنسی زنان می‌شود، هنوز لذت جنسی زنانه با سانسور مواجه است. به‌طور مثال، طبق آمار ارائه‌شده، در سینما

صحنه‌ی به‌ارگاسم‌رسیدن یک زن، بیش از صحنه‌ی تجاوز ممکن است با محدودیت سنی برای نمایش مواجه شود (به نقل از لورا بیتس، ۲۰۱۶). از سوی دیگر، لذت جنسی در طول زمان و در مرحله‌های مختلف زندگی فرد دستخوش تغییر می‌شود. بسیار محتمل است که محرک‌هایی که فرد در شانزده‌سالگی آن‌ها را جذاب می‌یافته است، در چهل‌سالگی برایش خالی از هرگونه برانگیزانندگی جنسی باشند. این تغییرپذیری هم



مفهوم لذت جنسی زنانه مفهومی سیال، متغیر، ذهنی، متأثر از عامل‌های فرهنگی - اجتماعی و البته منحصر به فرد است که شاید از منظر زیست‌شناسی تابع الگویی به‌نسبت مشخص باشد اما از نظر ذهنی و روانی می‌تواند از زنی به زن دیگر یا حتا در یک زن در دوره‌های مختلف زندگی‌اش متفاوت باشد.



درباره‌ی لذت جنسی و هم درباره‌ی لذت ذهنی صادق است چراکه وضعیت بدنی و ذهنی ما ثابت نیست و به‌طور پیوسته در حال تغییر است. برای نمونه، ممکن است یک زن در دوران بلوغ از لمس پستان‌هایش احساس لذت سرشاری کند درحالی‌که همان زن با رسیدن به سی‌وچندسالگی این لمس را خنثا و بدون لذت بیابد و با رسیدن به یائسگی همان لذت را آزاردهنده بداند!

هم‌چنین اگر لذت جنسی زنانه را در یک چارچوب قابل پیش‌بینی در نظر بگیریم،

ناگزیر افراد بیناجنسی (Intersex^۳) یا افراد تراجنسیتی (که جراحی تغییر جنسیت انجام می‌دهند) نادیده گرفته می‌شوند.

تلاش‌هایی تاکنون برای یافتن مشابهت در تحریک و ارضای زنان بر اساس عامل‌هایی مانند گرایش جنسی آن‌ها صورت گرفته است، اما این مطالعات بیشتر بر جنبه‌های زیست‌شناختی متمرکز بوده‌اند (به‌طور مثال، پیرسون و همکاران، ۲۰۱۶).

در نتیجه، به دلایلی که ذکر شد، مفهوم لذت جنسی زنانہ مفهومی سیال، متغیر، ذهنی، متأثر از عامل‌های فرهنگی - اجتماعی و البته منحصر به فرد است که شاید از منظر زیست‌شناسی تابع الگویی به نسبت مشخص باشد اما از نظر ذهنی و روانی می‌تواند از زنی به زن دیگر یا حتی در یک زن در دوره‌های مختلف زندگی‌اش متفاوت باشد. به همین دلیل، رایج‌ی تعریف واحدی از لذت جنسی زنانہ که بتوان آن را به همه‌ی زنان تعمیم داد، اگر هم ممکن باشد فاقد اعتبار کافی است. شاید بتوان گفت معتبرترین روش برای کشف این‌که هر زن چگونه لذت جنسی را تجربه می‌کند و چه محرک‌هایی را لذت‌بخش می‌یابد، اتکا به گزارش شخصی اوست.

۳ برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به: <https://joopea.news/2017/10/intersex-rights>

منابع:

Berkowitz, E. (2012). How Frightened Patriarchal Men Have Tried to Repress Women's Sexuality Through History? [Online]. [Accessed 20 November 2017]. Available from: <http://www.alternet.org>

Breslaw, A; Khidekel, M; Ruiz, M. (2015). Straight Single Women Have the Fewest Orgasms. [Online]. [Accessed 22 November 2017]. Available from: <http://www.cosmopolitan.com/sex-love/news/a37812/cosmo-orgasm-survey/>

Bates, L. (2016). A frank, educational, instructional website about female sexuality? OMGYes! [online]. [Accessed 17 November 2017]. Available from: <https://www.theguardian.com/lifeandstyle/womens-blog/2016/mar/05/a-frank-educational-instructional-website-about-female-sexuality-omgyes>

Duffy, John. 1963. Masturbation and Clitoridectomy: A Nineteenth-Century View". JAMA. 186(3): 246–248. October 19, doi:10.1001/jama.1963.63710030028012.

Freud, S. (1931). Female sexuality. In Freud, S, The Standard Edition of the Complete Psychological Works of Sigmund Freud, 1968. ed. and trans. James Strachey. London: The Hogarth Press.

Irigaray, L. (1977). The sex which is not one. New York. Cornell University Press.

Loofbourow, L. 2014. What the 17th Century Can Teach Us About Vaginas. [Online]. [Accessed 22 November 2017]. Available from: <https://www.thecut.com/2014/09/describing-a-vagina-the-16th-century-way.html>

Persson, T. J; Ryder, A. G ; Pfaus, J.G. (2016). Comparing Subjective Ratings of Sexual Arousal and Desire in Partnered Sexual Activities from Women of Different Sexual Orientations. Archive of sexual behaviours. 45:1391–1402



لذت جنسی زنان چیست؟ برای لذت بردن و لذت بخشیدن در رابطه‌ای که یک طرفش خودش را زن می‌داند چه باید کرد و چه کارهایی را بهتر است انجام ندهیم؟ وقت پریود یعنی که سکس تعطیل؟ لذت جنسی زنان تراجنسی و بیناجنسی چگونه است؟ آن‌هایی که خود را کویر می‌دانند چطور؟

پرسش‌ها زیاد هستند و نقطه‌های مبهم هم کم نیستند. دلیلش هم این است که ما آدم‌ها پیچیده و مبهم هستیم و از سویی هم سکس و هرچه به سکس ربط پیدا کند، حرف مگو به حساب می‌آید.

برای همین، ژوپی‌آ دست‌به‌کار تهیه‌ی پرونده‌ای با نام «لذت جنسی زنان» شده است تا چندی از این سوال‌ها را جواب بدهد. برای پاسخ به سوال‌هایی که در کتابچه‌های این پرونده مطرح کرده‌ایم، به سراغ اهل کار رفتیم و خواستیم تا ما را نسبت به این مقوله روشن کنند.

این مجموعه شامل مقاله‌ها، مصاحبه‌ها و ترجمه است که در هفت کتابچه‌ی مجزا بر روی وبسایت کارگاه خبر، در این‌جا در دسترس همگان هستند.

اگر نقد، پیشنهاد و یا سوالی دارید، می‌توانید از طریق آدرس زیر با ما تماس بگیرید: fsp.project@joopea.com



ISBN 978-94-92955-00-5

